

« قواعد درس هشتم » : **صناعة التلميح في الأدب الفارسي** :

❖ **بیشتر بدانیم** : اسم‌ها در زبان عربی از نظر اصل بودن یا نبودن به دو دسته تقسیم می‌شوند :

به اسم‌هایی که اصل باشند و از فعل ساخته نشده باشند « اسم جامد » و به اسم‌هایی که اصل نباشند و از فعل ساخته شده باشند « اسم مشتق » گفته می‌شود.

❖ **اسم جامد** : اسمی که ریشه‌ی فعلی ندارد (از فعل ساخته نشده است) ، یعنی از کلمه‌ی دیگری اشتقاق پیدا نکرده است.

که خود به دو دسته تقسیم می‌شود : **۱- جامد مصدری** **۲- جامد غیر مصدری**

۱- **جامد مصدری** : اسم جامدی است که می‌توان از آن فعل ساخت. که شامل تمامی **مصادر ثلاثی مجرد و مزید** (۸ باب مزید) می‌شود. مثال :

❖ جُلوس - ذَهَاباً - رُجوعاً - كِتَابَةً - عَيْشاً و... - إِحْسَان - تَنَاسُب - تَعْلِيم - تَعَلَّمَ - إِسْتِغْفَار و... .

❑ لازم به ذکر است که از تمامی جامدهای مصدری بالا « **فعل** » ساخته می‌شود. (جُلوس : جَلَسَ - يَجْلِسُ - اجْلِسُ / إِحْسَان : أَحْسَنَ - يُحْسِنُ - أَحْسِنُ)

۲- **جامد غیر مصدری** : اسم جامدی است که از مصادر نبوده و هیچ یک از آنها جزو مشتقات محسوب نمی‌شود. (از این اسامی فعل ساخته نمی‌شود)

مثال : رَجُلٌ - قَلَمٌ - عَالَمٌ - جِدَارٌ - شَمْسٌ و... .

❖ **اسم مشتق** : اسمی است که **ریشه‌ی فعلی** دارد (از فعل ساخته شده) ، یعنی از کلمه‌ی دیگری اشتقاق پیدا کرده است. مثال :

اسم‌هایی چون : « أَحْمَدٌ - حَمِيدٌ - مُحَمَّدٌ - حَامِدٌ - حَمَادٌ - مُحَمَّدٌ » **از ریشه‌ی « حَمَدٌ » گرفته شده‌اند**. (پس همگی مشتق‌اند)

❖ برای تشخیص دادن اسم‌های جامد از مشتق باید انواع مشتق را فرا بگیریم : (۷ موردند که تا حال حاضر ۵ مورد آن در کتاب درسی آمده است)

۱- اسم فاعل **۲- اسم مفعول** **۳- اسم مبالغه** **۴- اسم تفضیل** **۵- اسم مکان**

❶ **اسم فاعل** : همان « **صفت فاعلی** » در زبان فارسی است که معنای انجام دهنده‌ی کار یا دارنده حالتی را نشان می‌دهد.

مثال : بیننده - خواننده - شنونده - آموزگار - آفریدگار و... .

تلگرام @Arabicfadaei

❖ در زبان عربی به صفت فاعلی « **اسم فاعل** » گفته می‌شود که به دو روش زیر ساخته می‌شود :

الف) اسم فاعل از ثلاثی مجرد : ریشه‌ی فعل مورد نظر را بر وزن « **فَاعِلٌ** » می‌نویسیم. مثال :

❖ يَشْكُرُ ← شَكَرَ ← شَاكِرٌ - يَنْصُرُ ← نَصَرَ ← نَاصِرٌ - يَسْأَلُ ← سَأَلَ ← سَائِلٌ

❖ اسم‌هایی چون : قَائِمٌ (ق و م) - قَائِلٌ - صَائِمٌ - سَائِرٌ - غَائِبٌ و... قَاضِيٌ - شَاكِيٌ - غَازِيٌ - دَاعِيٌ و... ضَالٌّ - تَامٌّ - حَادٌّ - ضَارٌّ و... ؛ **اسم فاعل** از مجردند.

ب) اسم فاعل از ثلاثی مزید : **خلاصه : مُ + ... بعد ؛ اسم فاعل**]

- علامت مضارعه (آتین) را از ابتدای فعل **حذف** نموده و به جای آن **میم مضموم « مُ »** می‌گذاریم.

- حرکت عین الفعل (دوّمین حرف ریشه) را « **کسره** -ِ » می‌دهیم. مثال :

❖ يَحْسِنُ ← مُحْسِنٌ - يُعَلِّمُونَ ← مُعَلِّمُونَ - مُعَلِّمٌ - يَسْتَعْدِمُونَ ← مُسْتَعْدِمَاتٌ - مُسْتَعْدِمٌ - أَتَنَاسَبُ ← مُتَنَاسِبٌ - مُتَنَاسِبَةٌ

❖ اسم‌هایی چون : مُبِينٌ - مُعِينٌ - مُرِيدٌ - مُجِيبٌ - مُقِيمٌ و... **اسم فاعل از ثلاثی مزید** (از باب افعال) هستند.

❷ **اسم مفعول** : همان « **صفت مفعولی** » در زبان فارسی است که در معنا انجام کار توسط فاعل بر روی آن واقع می‌شود. مثال : دیده شده - خوانده شده و...

❖ در زبان عربی به صفت مفعولی « **اسم مفعول** » گفته می‌شود که به دو روش زیر ساخته می‌شود :

الف) اسم مفعول از ثلاثی مجرد : ریشه‌ی فعل مورد نظر را بر وزن « **مَفْعُولٌ** » می‌نویسیم. مثال :

❖ يَشْكُرُ ← شَكَرَ ← مَشْكُورٌ - يَنْصُرُ ← نَصَرَ ← مَنصُورٌ

❖ اسم‌هایی چون : مَهْدِيٌّ - مَخْفِيٌّ - مَبْنِيٌّ - مَرْضِيٌّ و... **اسم مفعول از ثلاثی مجرد** هستند.

ب) اسم مفعول از ثلاثی مزید : [خلاصه: مُ + ... عَف ؛ اسم مفعول]

- علامت مضارعه (آتین) را از ابتدای فعل حذف نموده و به جای آن **میم مضموم** «مُ» می گذاریم.

- حرکت عین الفعل (دومین حرف ریشه) را «**فتحه**» می دهیم. مثال:

- يُحْسِنُ ← مُحْسِنٌ - يُعَلِّمُونَ ← مُعَلِّمُونَ - مُعَلِّمِينَ - يَسْتَخْدِمُونَ ← مُسْتَخْدِمَاتٌ - أَتَنَاولُ ← مُتَنَاولٌ - مُتَنَاولَةٌ

* اسم‌هایی چون: مُرَاد - مُذَاب - مُجَاب - مُقَام - مُجَار و... اسم مفعول از ثلاثی مزید (از باب افعال) هستند.

نکته ۱: هر اسمی که با حرف «مُ» شروع شود، قطعاً «**مشتق اسم فاعل یا مفعول**» است. البته اسمی که بر وزن «**مُفَاعَلَةٌ**» بیاید و معنای

مصدری داشته باشد، دیگر **مشتق (اسم مفعول) نمی‌باشد** و جامد مصدری (**مصدر باب مُفَاعَلَةٌ**) محسوب می‌شود.

(۱) **مُ + عین الفعل کسره دار** «**_____**» یا حرف «ی» ← **اسم فاعل**: مُنَزِلٌ - مُخْتَلِفٌ - مُشْكِلٌ ... مُعِينٌ - مُرِيدٌ - مُقِيمٌ و...

(۲) **مُ + عین الفعل فتحة دار** «**_____**» یا حرف «ا» ← **اسم مفعول**: مُجَاهِدٌ - مُفْتَخِرٌ - مُتَعَلِّمٌ ... مُرَادٌ - مُجَابٌ - مُقَامٌ - مُجَارٌ و...

- مُجَاهِدَةٌ: جهاد کردن ← جامد مصدری - مُحَافِظَةٌ: نگهداری کردن ← جامد مصدری - مُسَاعِدَةٌ: کمک کردن (جامد مصدری)

نکته ۲: اسم‌های فاعل و مفعول نیز مانند دیگر اسم‌ها دارای «**مذکر و مؤنث و مفرد و منثی و جمع**» هستند.

(۱) مثال: (حالت‌های مختلف اسم فاعل از ثلاثی مجرد): حَافِظٌ - حَافِظَانِ - حَافِظَاتٌ - حَافِظَاتِنِ - حَافِظُونَ - حَافِظَاتِنِ - حَافِظَاتٌ .

مثال: (حالت‌های مختلف اسم فاعل از ثلاثی مزید): مُسَلِّمٌ - مُسَلِّمَانِ - مُسَلِّمَاتٌ - مُسَلِّمَاتِنِ - مُسَلِّمُونَ - مُسَلِّمَاتِنِ - مُسَلِّمَاتٌ .

(۲) مثال: (حالت‌های مختلف اسم مفعول از ثلاثی مجرد): مَحْفُوظٌ - مَحْفُوظَانِ - مَحْفُوظَاتٌ - مَحْفُوظَاتِنِ - مَحْفُوظُونَ - مَحْفُوظَاتِنِ - مَحْفُوظَاتٌ .

مثال: (حالت‌های مختلف اسم مفعول از ثلاثی مزید): مُحْتَرَمٌ - مُحْتَرَمَانِ - مُحْتَرَمَاتٌ - مُحْتَرَمَاتِنِ - مُحْتَرَمُونَ - مُحْتَرَمَاتِنِ - مُحْتَرَمَاتٌ .

نکته ۳: اسم‌هایی که بر وزن «**مَفَاعِيلٌ**» می‌آیند، **ممکن است** جمع مکسر برای وزن «**مَفْعُولٌ**» باشند. مثال:

- مَشَاهِيرٌ: جمع؛ مَشْهُورٌ / مَضَامِينٌ: جمع؛ مَضْمُونٌ / مَفَاهِيمٌ: جمع؛ مَفْهُومٌ / مَحَاصِيلٌ: جمع؛ مَحْصُولٌ /

اسم‌هایی چون: «**مَصَابِيحٌ - مَفَاتِيحٌ - مَسَاكِينٌ - مَوَازِينٌ - مَقَادِيرٌ و...**» علی‌رغم اینکه بر وزن «**مَفَاعِيلٌ**» هستند، ولی مفردشان «**اسم مفعول**» **نمی‌باشد**.

نکته ۴: کلماتی که بر وزن «**فَعْلَةٌ**» می‌آیند را **نباید** عجلولانه «**مؤنث**» در نظر گرفت. مثال: **طَلَبَةٌ**: جمع طالب / **وَرَثَةٌ**: جمع وارث / **كَفَرَةٌ**: جمع کافر

۳) اسم مبالغه: اسمی است که بر بسیاری صفتی در فردی یا چیزی یا جایی دلالت می‌کند.

✗ **مهمترین وزنهای اسم مبالغه «فَعَالٌ - فَعَالَةٌ» می‌باشد.** مثال:

- رَزَاقٌ - مَنَانٌ - عِلَامٌ - خَلَّاقٌ - فَتَّاحٌ - غَفَّارٌ - تَوَّابٌ - كَذَّابٌ و... - عِلَامَةٌ - فَهَامَةٌ - كَفَّارَةٌ - أَمَارَةٌ - لَوَامَةٌ و...

نکته ۵: در ترجمه‌ی اسم‌های مبالغه از کلمه‌ی «**بسیار**» استفاده می‌شود:

- رَزَاقٌ ← بسیار روزی دهنده - صَبَّارٌ ← بسیار صبر کننده - غَفَّارٌ ← بسیار آمرزنده - سَتَّارٌ ← بسیار پوشاننده

نکته ۶: وزنهای «**فَعَالٌ - فَعَالَةٌ**» که بر **شغل** و یا ابزار و وسایل و دستگاه دلالت کنند، نیز «**اسم مبالغه**» به شمار می‌رود.

شغل: قَصَابٌ - حَبَّازٌ - حَدَّادٌ - بَرَّازٌ - نَجَّارٌ - رَسَّامٌ - طَيَّارٌ عَطَّارٌ و...

ابزار و دستگاه: سَيَّارَةٌ - فَتَّاحَةٌ (در باز کن) - نَظَّارَةٌ (عینک) - جَوَّالٌ (تلفن همراه) و...

نکته ۷: حرف «**ة**» در وزن «**فَعَالَةٌ**» نشانه‌ی مؤنث بودن اسم محسوب نمی‌باشد. (به آن «**تای کثرت**» گفته می‌شود: هَذَا الرَّجُلُ عِلَامَةٌ)

♦ تمرین (۱) : اسم فاعل و مفعول بسازید : (ثلاثی مجرد)

- ۱) نَ صَ رَ : / ۲) قَ رَ ءَ : / ۳) سَ ءَ لَ : /
 ۴) هَ دَ یَ : / ۵) ضَ مَ نَ : / ۶) حَ فَ ظَ : /
 ۷) جَ وِ لَ : / ۸) آ خَ رَ : / ۹) أَ كَلَ : /

♦ تمرین (۲) : اسم فاعل و مفعول بسازید : (ثلاثی مزید)

- ۱) اجْتَهَدَ : / ۲) یُكْرِمُ : / ۳) جَاهَدَ : /
 ۴) اسْتَخْرَجَ : / ۵) قَصَرَ : / ۶) یُعَلِّمُ : /
 ۷) رَادَفَ : / ۸) تَنَاسَبَ : / ۹) انْكَسَرَ : /
 ۱۰) اِكْتَسَبَ : / ۱۱) یُكَبِّرُ : / ۱۲) یُحْسِنُ : /
 ۱۳) تَدَبَّرَ : / ۱۴) التَزَمَ : / ۱۵) یَتَقَلَّبُ : /
 ۱۶) یُؤَسِّسُ : / ۱۷) یُواجِهُ : / ۱۸) یَتَعَادَلُ : /

♦ تمرین (۳) : اسم مبالغه بسازید :

- ۱) صَبْرٌ : ۲) رَزَقٌ : ۳) عَلِمَ : ۴) بَنَى : ۵) غَفَرَ :
 ۶) أَمَرَ : ۷) كَفَرَ : ۸) لَوَّمَ : ۹) عَبَسَ : ۱۰) (۱۰)

♦ تمرین (۴) : اسم های فاعل و مفعول و مبالغه را در جملات زیر پیدا کنید :

- ۱) الْمُسْتَضْعَفُونَ مِنَ النَّاسِ بَيْنَنَا مَظْلُومُونَ ! :
 ۲) حَقُوقُ الْمَحْرُومِينَ فِي هَذَا الْعَصْرِ مُغْتَصَبَةٌ ! :
 ۳) يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ ! جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ ! :
 ۴) هُوَءِ الْمَؤْمِنُونَ يَجْتَنِبُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ ! :
 ۵) إِنَّهُمْ ذَاهِبُونَ إِلَى عَمَلِهِمْ أَوْ عَائِدُونَ إِلَى مَنَازِلِهِمْ ! :
 ۶) الْمُسْلِمُ يَشْكُرُ الرِّزَاقَ الَّذِي رَزَقَهُ مِنَ الطُّفُولَةِ ! :
 ۷) إِنَّ عَفْوَتَ فَأَنْتَ الْمُتَفَضَّلُ وَأَنَا الْمُسْتَسْلِمُ ! :
 ۸) غُدَّدَ لِسَانَ الْقِطِّ سَائِلًا مُطَهَّرًا ! :
 ۹) الْوَالِدَانِ مُكْرَمَانِ عِنْدَ أَوْلَادِهِمَا ! :
 ۱۰) الْأَبْيَاتُ الَّتِي تُنْشَدُ مَمْرُوجَةً بِالْعَرَبِيَّةِ وَالْفَارْسِيَّةِ سُمِّيَتْ بِالْمُلَمَّعِ ! :
 ۱۱) صَدِيقِي كَانَ حَدَادًا مَاهِرًا يَعْمَلُ فِي الْمَصْنَعِ مِنَ الصَّبَاحِ الْبَاكِرِ ! :
 ۱۲) الْأَفْضَلُ لِلطُّلَّابِ أَنْ يَنْتَخِبُوا فِرْعَاهِمَ الْجَامِعِيَّ بِدَقَّةٍ حَتَّى لَا يَنْدَمُوا فِي الْمُسْتَقْبَلِ ! :
 ۱۳) كَانَتْ شَمْسُ الصَّحْرَاءِ مُحْرِقَةً وَالْمُنْفَرِّجُونَ يُوَاصِلُونَ طَرِيقَهُمْ بِصُعُوبَةٍ ! :
 ۱۴) الْمَوْمِنُونَ يُدَافِعُونَ عَنِ الْمَظْلُومِينَ وَيُحَارِبُونَ الظَّالِمِينَ ! :
 ۱۵) أَرْضُ كَرْبَلَاءَ مُقَدَّسَةٌ عِنْدَ جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ ! :
 ۱۶) هُوَءِ الْعُلَمَاءُ قَصَدُوا أَنْ نُسَاعِدَ الْمُسْتَضْعَفِينَ فِي الْعَالَمِ ! :
 ۱۷) أَنَا أَحِبُّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّاهِي عَنِ الْمُنْكَرِ ! :

« کلمات و لغات درس هشتم »

- | | |
|--|---|
| <p>(۲۷) رَصِيد : شارژ (اعتبار)
 (۲۸) رَكْب : کاروان شتر یا اسب سواران
 (۲۹) عَدَاة : آغاز روز
 (۳۰) مَمْرُوجَة : در آمیخته، مخلوط
 (۳۱) مَصْنَع : آب انبارها (مفرد : مَصْنَع)
 (۳۲) كَذَاب : بسیار دروغگو
 (۳۳) فَهَامَة : بسیار فهمیده
 (۳۴) خَلَق : بسیار آفریننده
 (۳۵) شَرِيحَة : سیم کارت
 (۳۶) شَخْن : شارژ
 (۳۷) اِتِّصَالَات : مخابرات
 (۳۸) عَشِيَّة : آغاز شب
 (۳۹) نَدَامَة : پشیمانی
 (۴۰) نَظَّارَة : عینک
 (۴۱) كَأْس : جام، لیوان
 (۴۲) رَسَام : نقاش
 (۴۳) بَدِيع : تازه، نو
 (۴۴) بُعْد : دوری
 (۴۵) فَتَّاحَة : در باز کن
 (۴۶) وُدّ : دوستی
 (۴۷) دَهر : روزگار
 (۵۰) عَجِين : خمیر
 (۴۸) طَيَّار : خلبان
 (۴۹) أَحِبَّة : دوستان (مفرد : حَبِيب)
 (۵۰) دُمُوع : اشکها (مفرد : دَمْعَة)</p> | <p>(۱) أَرْجُو : می‌خواهم، امیدوارم (مضارع : يَرْجُو / أمر : أَرْجُ / مصدر : رَجَاءً)
 (۲) اِسْتَعَانَ : کمک خواست (مضارع : يَسْتَعِينُ / أمر : اِسْتَعِنْ / مصدر : اِسْتِعَانَة)
 (۳) جَرَّبَ : آزمایش کرد (مضارع : يُجَرِّبُ / أمر : جَرِّبْ / مصدر : تَجْرِبُ)
 (۴) دَنَا : نزدیک شد (مضارع : يَدْنُو / مصدر : دُنُو)
 (۵) اِسْتَفَادَ : استفاده کرد (مضارع : يَسْتَفِيدُ / أمر : اِسْتَفِدْ / مصدر : اِسْتِفَادَة)
 (۶) بَدَّلَ : عوض کرد، جایگزین کرد (مضارع : يُبَدِّلُ / أمر : بَدِّلْ / مصدر : بَدَلٌ)
 (۷) تَفَتَّشَ : جستجو می‌شود (فعل مجهول از : يُفْتَشُ / ماضی : فَتَّشَ / مصدر : تَفْتِيش)
 (۸) تَرْضَى : می‌پسندی (ماضی : رَضِيَ / أمر : اِرْضُ / مصدر : رَضًا)
 (۹) سَلَّ : پرس (ماضی : سَأَلَ / مضارع : يَسْأَلُ / مصدر : سَأَالًا)
 (۱۰) ذَاقَ : چشید (مضارع : يَذُوقُ / أمر : ذُقْ / مصدر : ذَوْقًا)
 (۱۱) شَمَّ : بوید، استشمام کرد (مضارع : يَشُمُّ)
 (۱۲) هَجَرَ : ترک کرد، رها کرد (مضارع : يَهْجُرُ / أمر : اُهْجِرْ / مصدر : هِجْرًا)
 (۱۳) نَاحَ : با صدای بلند گریه کرد (مضارع : يَنْوَحُ / أمر : نُحْ)
 (۱۴) مَضَى : گذشت (مضارع : يَمْضِي / أمر : اِمضِ)
 (۱۵) يَهَيْمُ : تشنه می‌شود (ماضی : هَامَ / أمر : هَيْمِ)
 (۱۶) مَرَّرَ : تلخ کرد (مضارع : يُمَرِّرُ / أمر : مَرَّرْ / مصدر : تَمْرِير)
 (۱۷) شَكَا : گلایه کرد (مضارع : يَشْكُو / أمر : اَشْكُ / مصدر : شِكَايَة)
 (۱۸) شَاءَ : خواست (مضارع : يَشَاءُ / أمر : شِئْ)
 (۱۹) سَامِحِيْنِي : مرا ببخش
 (۲۰) اَدْعِيَة : دعاها (مفرد : دُعَاء)
 (۲۱) رَفَات : استخوان پوسیده
 (۲۲) مُجَرَّبَ : آزمایش شده، آزموده
 (۲۳) فَلَوات : بیابانها (مفرد : فَلَاة)
 (۲۴) عَدَاة : دشمنان (مفرد : عَادِي)
 (۲۵) وِكَناَت : لانهها (مفرد : وِكَنَة)
 (۲۶) آتِي (آت) : آینده، در حال آمدن</p> |
|--|---|

« کلمات مترادف درس اوّل »

- | | | |
|---|---|--|
| <p>(۱۵) الإِثْم = الذَّنْب (گناه)
 (۱۶) وُكِنَ = عَشَّ (لانه)
 (۱۷) بَدَّلَ = غَيَّرَ، عَوَّضَ (عوض کرد)
 (۱۸) مَمْرُوج = مخلوط (در هم آمیخته)
 (۱۹) فَتَّشَ = بَحَثَ (جستجو کرد)</p> | <p>(۸) هَجَرَ = تَرَكَ = رَحَلَ (رها کرد)
 (۹) وُدّ = حُبّ (دوستی، عشق)
 (۱۰) آتِي = قَادِم (آینده)
 (۱۱) حَلَّ = نَزَلَ (فرود آمد)
 (۱۲) مَضَى = اِنْقَضَى (سپری شد، گذشت)
 (۱۳) دَنَا = قَرَّبَ (نزدیک شد)
 (۱۴) شَاءَ = طَلَبَ = أَرَادَ (خواست)</p> | <p>(۱) اِسْتَعَانَ = اِسْتَعَانَ (کمک خواست)
 (۲) فَوَاحِش = سَيِّئات (کارهای زشت)
 (۳) بَدِيع = حَدِيث = جَدِيد (نو)
 (۴) فَلَاة = صَحراء (بیابان)
 (۵) بُسْتان = حَدِيقَة (باغ)
 (۶) بَغِي = ظَلَم (ستم)
 (۷) جَرَّبَ = اِخْتَبَرَ (آزمود)</p> |
|---|---|--|

« کلمات متضادّ درس هشتم »

- | | | |
|---|---|--|
| ۹) بُعِدَ (دوری) ≠ قُرِبَ (نزدیکی) | ۵) رَجَا (امید داشت) ≠ يَسَّ (نا امید شد) | ۱) آتَى (آینده) ≠ ماضى (گذشته) |
| ۱۰) بَدِيعَ (نو) ≠ قَدِيمَ (کهنه) | ۶) غَدَاةَ (آغاز روز) ≠ عَشِيَّةَ (آغاز شب) | ۲) دَنَا (نزدیک شد) ≠ بَعُدَ (دور شد) |
| ۱۱) أَحِبَّةَ (دوستان) ≠ عَدَاةَ (دشمنان) | ۷) رَاحَةَ (آسایش) ≠ شِدَّةَ ، عَذَابَ (سختی) | ۳) اِشْتَرَى (خرید) ≠ باعَ (خرید) |
| ۱۲) قَصِيرَ (کوتاه) ≠ طَوِيلَ (بلند) | ۸) حَلَّ (فرود آمد) ≠ رَكَبَ (سوار شد) | ۴) كَذَابَ (بسیار دروغگو) ≠ صَدِيقَ (راستگو) |

« جمع‌های مکرر درس هشتم »

- | | | |
|--|--------------------------------|---|
| ۹) مَصْنَع ← مَصْنَع (آب انبار بیابان) | ۵) دُمُوع ← دَمْعَةً (اشک) | ۱) أَحَادِيث ← حَدِيث (سخن) |
| ۱۰) مَحَامِد ← مَحَمَد (ستایش) | ۶) غُيُوب ← غَيْب (راز) | ۲) خَزَائِن ← خِزَانَةٌ (گنجینه، انبار) |
| ۱۱) أَحِبَّة ← حَبِيب (دوست، محبوب) | ۷) عُدَاة ← عَادِي (دشمن) | ۳) فَوَاحِش ← فَاحِشَةٌ (کار بسیار زشت) |
| | ۸) فَلَوات ← فَلَاة (بیابان) | ۴) كِبَائِر ← كَبِيرَةٌ (گناه بزرگ) |

محل یادداشت نکات

